

رفتارهای ناهنجار در میان تماشاگران فوتبال در شهر تهران

اکبر طالب پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۷

چکیده

محققان علوم اجتماعی معتقدند که ورزش از یک سو بازتابی از ورزش در کلیت خویش است و از سوی دیگر نمایانگر جهانی کوچک از جامعه‌ای بزرگ است، بنابراین ناهنجاری مشاهده شده در ورزش را به نوعی نشانگر ناهنجاری در جامعه می‌دانند. مقوله رفتار ناهنجار تماشاگران ورزشی از پیامدهای منفی ورزش‌های رقابتی از جمله فوتبال است که می‌تواند در جوامع مختلف، حساسیت‌های کاذبی نسبت به این رشته ورزشی ایجاد کرده و به بروز کج رفتاری در میان تماشاگران منجر شود که علاوه بر روند بازی، جامعه را نیز ملتهب کند. نظر به اهمیت موضوع مورد مطالعه، تحقیق حاضر با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی به بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای ناهنجار در میان ۴۰۰ نفر از تماشاگران فوتبال در تهران در سال پرداخته است، نمونه‌های تحقیق بر اساس شماره بلیت آن‌ها و به صورت تصادفی انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان دادند میزان رفتار ناهنجار پاسخگویان، بالای حد متوسط و متغیرهای مستقل تقریباً در حد متوسط قرار داشته‌اند، این امر نشانگر وجود شرایط لازم برای افزایش التهاب در شرایط بحرانی بوده و می‌تواند در تبیین رفتارهای ناهنجار تماشاگران نقش داشته باشد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد متغیرهای مستقل یعنی رفتار بازیکن، مربی و داور، سابقه دعوا، نوع بازتاب رسانه‌ها، ارتباط با خویشان و دوستان، پایگاه اقتصادی اجتماعی و ناکامی شغلی آموزشی توانستند بیش از ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته رفتار ناهنجار را تبیین کنند که در این بین رفتار بازیکن، مربی و داور تأثیر بیشتری بر رفتار ناهنجار تماشاگران دارند. واژگان کلیدی: تماشاگران، رفتارهای ناهنجار، فوتبال، ورزش.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران-ایران.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه ورزش، به‌عنوان مظهر قدرت ملت‌ها در عرصه‌های بین‌المللی و یکی از مهم‌ترین نهادهای جوامع مدرن به‌شمار می‌رود به‌طوری‌که اماکن و استادیوم‌ها به عرصه رقابت سیاسی و به‌عنوان نماد فرهنگی اجتماعی هر کشور تغییر چهره داده‌اند (حسینی و همکاران، ۲: ۱۳۸۹). همچنین ورزش با پدیده‌ها و نهادهایی چون خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش، مذهب، اوقات فراغت، سیاست، حقوق، فرهنگ، رسانه‌های جمعی و بهداشت ارتباط دارد، بنابراین مطالعه ورزش به‌عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، جایگاه ویژه‌ای در جهان معاصر دارد از میان همه رشته‌های ورزشی، بدون شک فوتبال دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای و بالاترین ظرفیت برای جذب تماشاگران است و این رشته ورزشی توانسته خود را به جذاب‌ترین، پربیننده‌ترین و پرترفدارترین رشته ورزشی مبدل سازد. فوتبال یکی از معدود فعالیت‌های اجتماعی جهانی است و با گذشت زمان به پدیده‌ای تبدیل شده که روزه‌روز در حال افزایش است (تایلور، ۲۰۱۱: ۱۷۵۵). فوتبال امروزه صرفاً یک ورزش ساده تفریحی نیست، بلکه ورزش همه‌پسند، همه‌جایی، هیجان‌آور و هنرمندانه است، این ورزش دوست‌داشتنی در سطح اول باشگاه‌های غرب بدل به یک صنعت، تجارت و علم و از همه مهم‌تر بدل به یک فرهنگ شده و با الگوهای مشخص در سراسر جهان پراکنده شده است. همچنین مخاطبان فوتبال اهمیت زیادی دارند، زیرا باعث گسترش نفوذ اجتماعی فوتبال در تمام جامعه می‌شوند و ضرورت اجتماعی و اهمیت این ورزش را غیرقابل‌انکار و اجتناب‌ناپذیر می‌سازند. اهمیت این امر به‌حدی است که به تعبیر جان اشتاین بک^۱ فوتبال بدون هوادارانش هیچ بوده و جذابیت‌ها و جایگاه این بازی در میان عامه مردم را نه بازیکنان بلکه هواداران و تماشاگران این ورزش تعیین می‌کنند (تایلور، ۲۰۱۱: ۱۷۵۶).

جمعیت تماشاچی یا حضار یکی از پایه‌های ورزش رقابتی معاصر به‌شمار می‌آیند. رهبران ورزشی ثابت کرده‌اند که تماشاگران تأثیر مهمی بر عملکرد عمومی ورزش دارند، لارسون معتقد است که تماشاچیان جزء مکمل طبیعت اصلی ورزش هستند زیرا محیط یا جو اجتماعی مستقیم و زنده‌ای برای فهم بازیکن فراهم می‌آورند (الخولی، ۱۳۸۳: ۲۵). در رقابت‌های ورزشی عملکرد فرد تنها از تعامل اجتماعی‌ای که میان او و هم‌تیمی‌هایش صورت می‌گیرد تأثیر

1. John Ernst Steinbeck

نمی‌پذیرد، بلکه همچنین زمانی که خود را در حضور چندین نفر احساس می‌کند، و یا زمانی که مورد توجه توده‌ای از تماشاچیان قرار گیرد، عملکرد او تحت تأثیر واقع می‌شود. رفتارهای نابهنجار تماشاگران فوتبال یکی از معضلات مهمی است که این رشته ورزشی با آن مواجه است و افزون بر زیان‌های اقتصادی، به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز منشأ بسیاری از آسیب‌هاست. از جمله این رفتارها می‌توان به: پرتاب ترقه و نارنجک به میدان مسابقه، پرتاب اشیاء به سوی ورزشکاران و مربیان، فحاشی و هتاکی به داوران، مربیان، ورزشکاران و درگیری با هواداران تیم رقیب، تخریب اموال عمومی، تخریب اموال ورزشگاه‌ها و غیره اشاره کرد. دانشمندان و محققان علوم اجتماعی، دانشگاهیان، سیاست‌مداران و رسانه‌ها از سال ۱۹۷۰ به بعد برای این قبیل اعمال اصطلاح وندالیسم فوتبال را به کار بردند و از این اصطلاح به عنوان یک اصطلاح برای فعالیت‌های گوناگون (پرتاب نارنجک، سوءاستفاده‌های کلامی، فحاشی و هتاکی، تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن‌های عمومی، صندلی اتوبوس‌های شهری، مترو و غیره) استفاده کردند (اسپایچ، ۲۰۰۷: ۳۱۷).

تحت تأثیر فرایندهای جهانی، طی سالیان اخیر، شاهد اوج‌گیری جاذبه فوتبال حرفه‌ای در کشورمان بوده‌ایم که این مسئله دارای ابعاد و آثار اجتماعی ویژه در سطح ملی بوده است. توسعه لیگ‌های ورزشی و اقبال سازمان‌های مختلف به تشکیل و حمایت تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی (فوتبال) و جلب نظر اقشار جدیدی از مردم از جمله زنان و بزرگسالان، تشدید تعلق خاطر طرفداران سنتی تیم‌های شناخته‌شده، بروز برخی رخدادهای نابهنجار در میدان‌های ورزشی و چشم‌گیرتر از همه این‌ها، شکل‌گیری جشن‌های خودجوش ملی و فراگیر در شهرهای کشور پس از پیروزی تیم ملی، یا تیم‌های باشگاهی، جلوه‌هایی از آثار اجتماعی فوتبال در ایران است (هاشمی و جوادی یگانه، ۱۳۸۶: ۱). علاوه بر آنکه فوتبال روح جمعی و انرژی اجتماعی را در جامعه ایجاد می‌کند، پتانسیل ایجاد رفتارهای نابهنجار را دارا است. به طوری که مشاهدات و مطالعات اخیر (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ خاقانی و شانواز، ۱۳۹۵؛ جلالی، ۱۳۹۲) نشان می‌دهد در این سال‌ها رفتارهای نابهنجار روی سکوها روزبه‌روز هوای استادیوم‌ها را آلوده‌تر کرده تا جایی که امروزه ورزشگاه‌ها محلی برای تبادل زشتی‌ها و توهین‌ها و زیر سؤال بردن هویت و فرهنگ ایرانی شده است، تاحدی که فحاشی، هتاکی و ناسزا گفتن به بازیکنان، داوران،

مربیان، مسئولان برگزاری مسابقات، از بین بردن تأسیسات ورزشگاه‌ها، از بین بردن اموال عمومی و غیره اتفاقاتی است که در برگزاری فوتبال‌های باشگاهی در ایران به چشم می‌خورد. برخلاف بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز که با نیروی انتظامی و یا عوامل بازدارنده دیگر کنترل می‌شود، رفتارهای نابهنجار تماشاگران فوتبال در استادیوم‌ها اغلب غیرقابل کنترل توسط نیروی انتظامی و یا عوامل بازدارنده دیگر بوده و به سرعت در یک فضای اجتماعی گسترش می‌یابند که نتیجه آن تخریب اموال عمومی، اموال ورزشگاه، صدمات مالی و جانی به افراد بی‌طرف و یا عابران و افراد رهگذر است به‌همین دلیل شناخت همه‌جانبه و آسیب‌شناسی این نوع از رفتارهای نابهنجار، از نظر جامعه‌شناسی امری ضروری است. از آنجایی که بروز هیجان‌انگیزی که به رفتارهای نابهنجار منجر می‌شود نوعی انحراف محسوب می‌شوند، لازم است شناختی بر روی افرادی که مبادرت به ناهنجاری‌ها می‌کنند پیدا نموده و الگوهای رفتاری مناسب را جهت آن گروه خاص ارائه کرد تا رفتارهای فرهنگی مبتنی بر ارزش را جایگزین رفتارهای نابهنجار کننده نموده و مانند سایر افراد جامعه رفتارهای شایسته داشته باشند. در راستای مسئله پژوهش، مقاله حاضر در پی بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد و تشدید رفتارهای نابهنجار تماشاگران فوتبال در شهر تهران است

ادبیات تجربی

مطالعات انجام‌شده در حوزه خشونت و رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران فوتبال در قالب مطالعات داخلی و خارجی ارائه شده است: عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال به این نتیجه رسیده‌اند که خشونت جزئی از آسیب‌های اجتماعی عصر مدرن بوده که به فروپاشی اخلاقی در مناسبات اجتماعی منجر شده است. در این بین ورزش فوتبال، نیز یکی از فعالیت‌های مورد توجه شهروندان و عنصری هیجان‌زاست که با تهییج احساسات اجتماعی و بروز خشونت همراه بوده است، به‌زعم نویسندگان به موازات تحولات روزافزون عرصه‌های ورزشی، پرخاشگری و خشونت نیز به صورت گروهی و فردی

افزایش یافته و به بروز اختلال در سیستم کارکردی روابط اجتماعی و زندگی شهروندی منجر شده است که تجلی آن را می‌توان در میان تماشاگران و طرفداران فوتبال مشاهده کرد.

خاقانی و شانواز (۱۳۹۵) در تحقیق بررسی خشونت کلامی و مجازی تماشاگران فوتبال در ایران به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش خشونت‌های فیزیکی در میان تماشاگران فوتبال به افزایش خشونت‌های مجازی در بین تماشاگران منجر خواهد شد، همچنین بر اساس نتایج این تحقیق رسانه‌ها و مخصوصاً برنامه‌های ورزشی تلویزیونی نقش زیادی در تحریک، تهییج و حتی تشدید رفتارهای خشن تماشاگران دارند.

جلالی (۱۳۹۲) در تحقیق بررسی خشونت در تماشاچیان فوتبال در شهر تهران و ارائه راهکارهای کاهش آن به این نتایج رسید که عواملی همچون سن، ناکامی فردی، سیاست‌های رسانه‌ای و جو ورزشگاه در ظهور و بروز رفتارهای خشن از سوی تماشاگران تأثیر دارد. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق فعالیت‌های آموزشی از طرف خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌های تأثیر بسیار زیادی در کاهش رفتارهای خشونت‌بار تماشاگران از خود بر جای می‌گذارد.

حسینی و همکاران (۱۳۸۹). در تحقیق خود تحت عنوان بررسی عوامل بروز خشونت در تماشاگران فوتبال استان آذربایجان شرقی، به این نتیجه رسیدند که وجود تسهیلات و امکانات در ورزشگاه‌ها، قضاوت صحیح و عادلانه داوران و رفتار مناسب بازیکنان و مربیان در کاهش خشونت تماشاگران مؤثر است.

وثوقی و خسروی‌نژاد (۱۳۸۸)، در پژوهش خود تحت عنوان بررسی فرهنگی- اجتماعی رفتار هیجانی تماشاگران فوتبال به این نتیجه رسیدند که رفتار غیر اخلاقی مربیان، عملکرد نامناسب مدیران باشگاه، عملکرد نامناسب لیدرها، قضاوت نادرست داور، همچنین عدم رضایت از امکانات رفاهی استادیوم‌ها، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای نابهنجار و خشونت‌آمیز تماشاگران است.

پاکنژاد و درانی (۱۳۸۸) به بررسی رفتارهای تهاجمی تماشاگران فوتبال و علل روانی و اجتماعی آن پرداختند. هدف از این پژوهش، ارائه انواع و میزان رفتارهای تهاجمی در استادیوم‌های ورزشی فوتبال و نیز بررسی ارتباط عوامل فردی تماشاگران، رفتار کلامی مدیران و کارکنان استادیوم، جبهه‌گیری و سوگیری رسانه‌های ورزشی، الگوبرداری از تماشاگران تیم‌های

معروف جهانی، روحیه خشونت‌طلبی تماشاگران با رفتارهای تهاجمی تماشاگران است. یافته‌های پژوهش بیانگر شیوع بیشتر رفتارهای تهاجمی کلامی مانند شعار علیه طرفداران و بازیکنان تیم رقیب و شیپور زدن در خیابان نسبت به رفتارهای تهاجمی فیزیکی بود.

قاسمی و همکاران (۱۳۸۸) به توصیف جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال مبادرت ورزیدند. هدف از انجام پژوهش حاضر، آزمون مدلی است که در آن متغیرهای وندالیسم و اوباشگری متغیر وابسته را تشکیل می‌دهند و برخی متغیرهای مرتبط با نیروی انتظامی، رضایت از عوامل وضعیتی، استفاده از رسانه جمعی و ... متغیرهای مستقل تعریف شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد از میان متغیرهای مورد مطالعه، ۱۲ متغیر فرعی شامل هیجان‌طلبی و عقده‌گشایی، سابقه درگیری و نزاع، ازهم‌گسیختگی روانی خانواده، تأثیرپذیری گروه هم‌سالان، کنترل پلیس، جماعت انبوه، بحران‌ها و وقایع زندگی، سابقه رفتار مجرمانه و تحریک مطبوعات ورزشی به‌طور معناداری واریانس متغیرهای وندالیسم و اوباشگری را تبیین می‌کند.

کاظمی و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی علل آشوب تماشاگران فوتبال از شهرآورد بزرگ ایران (از دیدگاه تماشاگران) پرداختند. نتایج نشان داد که از بین متغیرهای گوناگون اثرگذار بر خشونت تماشاگران سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی - اجتماعی، رابطه معکوس معنی‌دار و عوامل محیطی رابطه مستقیم معنی‌دار با بروز خشونت دارد، در مقابل وضعیت تأهل و شغل تماشاگران رابطه معنی‌داری با بروز خشونت نداشت.

نیو سان^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعات خود تحت عنوان «جنگجویان فوتبال برزیل: پیوند اجتماعی و خشونت درون‌گروهی، نشان دادند» خشونت ناشی از فوتبال یک مشکل جهانی است. نظرسنجی آن‌ها از هواداران فوتبال برزیل با یک نمونه ۴۶۵ نفری حاکی از آن است که خشونت هواداران از طریق انسجام شدید اجتماعی در بین هواداران همراه با درک تهدیدات مزمن تقویت می‌شود. در مقابل، ناسازگاری با شاخص‌های اعمال خشونت ناشی از فوتبال یا تأیید خشونت در آینده ارتباطی ندارد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که برای کاهش خشونت های درون‌گروهی در بین تماشاگران فوتبال می‌توان تلاش کرد تا از طریق تقویت روحیه صلح‌آمیزتر احساسات طرفداران گروهی در راستای افزایش هویت گروهی استفاده شود.

نتایج بررسی جیمز^۱ (۲۰۱۷) نشان داد هنوز دیدگاه‌های مارکسیستی درزمینه تحلیل خشونت‌های تماشاگران فوتبال چیزی برای ارائه دارند، اما این استدلال کلی مبنی بر اینکه هواداران فوتبال و نه طبقه حاکم با یکدیگر می‌جنگند، برای عدم اعتبار رویکرد مارکسیستی کافی نیست، در حقیقت، رویکردهای مارکسیستی هنگام تجزیه و تحلیل انتقال صنعت فوتبال و فناوری‌ها و منابع پلیس به مرحله بالاتر سرمایه‌داری و افزایش نتیجه بیگانگی در ارتباط با موقعیت‌یابی ایدئولوژیک کارایی بهتری داشته و به ما این امکان را می‌دهد که هیجان ایجاد ضرب و شتم و بدبختی در بین تماشاگران را زمانی تبیین کنیم که قدرت اوپاش شانس معقول پیروزی را به دست آورده و پلیس نیز در این تقابل آسیب خواهد دید.

شولتز^۲ (۲۰۱۶) با بررسی خشونت در فوتبال چک به این نتیجه رسیده است که برای کلوپ‌های فوتبال چک، خشونت یک تهدید بزرگ محسوب می‌شود. امروزه در شرایط سخت اقتصادی که باشگاه‌های فوتبال سعی می‌کنند هر هواداری را به ورزشگاه فوتبال جذب کنند. می‌توانیم بیان کنیم که خشونت در ورزشگاه‌های فوتبال یکی از مباحث مطرح در جمهوری چک شده است. رفتار خشونت‌آمیز یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث می‌شود بازدیدکنندگان و هواداران از فضای مطبوع ورزشگاه‌های فوتبال دل‌سرد شوند. در این زمینه لازم است مسابقات فوتبال به یک رویداد اجتماعی مانند چیزی که در کشور انگلیس و سایر کشورهای غربی هست، تبدیل شوند. این واقعیت که استادیوم‌ها در کشور چک معمولاً تقریباً خالی هستند و خانواده‌های زیادی با فرزندان خود به این ورزشگاه‌ها نمی‌آیند به دلیل درگیری‌های رخ داده در استادیوم‌ها است که لازم است تمهیدی در این باره اندیشیده شود.

کاتینگهام^۳ (۲۰۱۲) در مطالعه خود نشان داد که مطالعه تماشاگری ورزش باید بر اهمیت خشونت هواداران تمرکز داشته باشد. در اینجا به‌طور اساسی درک رفتار و احساسات طرفداران معنی‌دار است، کار تئوریک راندال کالینز برای بررسی نتایج آیینی ناشی از آبشار جمعی، انرژی عاطفی و نمادهای گروهی و همبستگی در بین طرفداران ورزش در این زمینه قابل استفاده است، در این مطالعه این مفاهیم را با استفاده از داده‌های مطالعه موردی از مشاهده

1. Kieran James
2. Petr Scholz
3. Cottingham

شرکت‌کنندگان از هواداران تیم فوتبال آمریکا تجزیه و تحلیل نموده و تئوری تعامل کالینز را با در نظر گرفتن گروه به‌عنوان واحد تحلیل و تحلیل همبستگی فراتر از تعاملات موقعیتی و تنظیمات ورزشی معمولی، از جمله وقایع مهم زندگی عروسی‌ها و تدفین‌ها گسترش داده است.

مطالعات رامون اسپایچ^۱ (۲۰۰۷) این نتیجه را در بر داشت که اوباشی‌گری و رفتارهای نندالیستیک تماشاگران فوتبال تحت تأثیر شش عامل اصلی: هیجان‌زدگی و برانگیختگی هیجان‌خوشایند، ایجاد هویت مردانه و خشن، هویت‌یابی منطقه‌ای و محلی، مدیریت فردی و جمعی شهرت، ایجاد احساس همبستگی و تعلق و قدرت و خودمختاری شکل می‌گیرد.

کلیفورد استوت و جف پیرسون^۲ (۲۰۰۵)، در پژوهش‌های خود در زمینه دلایل بروز اوباشی‌گری و نندالیسم در فوتبال به این نتیجه رسیدند که رفتار پلیس در قبال تماشاگران، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در بروز اوباشی‌گری در فوتبال دارد، زیرا هم هواداران را از صحنه آشوب و درگیری دور می‌کند و هم به نوعی محرک آنان برای انجام رفتارهای نندالیستی می‌شود.

نستور کوراکیس^۳ (۲۰۰۴)، در تحقیقی با عنوان خشونت در فوتبال فقط یک معضل انگلیسی نیست، به بررسی خشونت‌های مرتبط در ورزشگاه‌های آتن پرداخت. پژوهش او نشان داد که بیشترین هواداران خشونت‌طلب در یونان دارای ویژگی‌هایی از قبیل تجرد، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، مشکلات تحصیلی زیاد و خانواده‌های از هم گسیخته هستند. به نظر او نگرش منفی نسبت به هواداران تیم رقیب، اشتباهات داوری، نگرش تحریک‌برانگیز پلیس به تماشاگران، تحریکات روزنامه‌نگاران ورزشی و کسب شهرت و اعتبار از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خشونت‌گرایی در بین هواداران تیم‌های ورزشی است.

ون و همکاران^۴ (۲۰۰۲)، به بررسی رفتارهای خشونت‌آمیز تماشاگران فوتبال پرداخته‌اند، یافته‌های آنان نشان می‌دهد که آشوب‌ها در مسابقات فوتبال زاینده فعالیت‌های جمعی جوانان برای ابراز وجود و کسب موفقیت ظاهری در مقابل رقبا است این حوادث بیشتر جنبه جنجالی و خشونت‌های بدون درگیری فیزیکی داشته و کمتر سبب آسیب‌دیدگی و صدمات فیزیکی و

1. Ramon Speich
2. Cliford Stot & jef peierson
3. Nestor Korakis
4. Wan & Collegues

زدوخوردهای آشکار در بین طرفداران می‌شود، به عبارت بهتر می‌توان گفت که از این منظر خشونت در بین طرفداران فوتبال بیشتر جنبه نمادین تا واقعی دارد.

دانینگ^۱ (۲۰۰۰)، با استفاده از داده‌های روزنامه‌های انگلیسی و تجزیه و تحلیل کلمه‌به‌کلمه اظهاراتی که توسط نابهنجاران و وندال‌ها در فوتبال بیان شده، پدیده خشونت و اوباشی‌گری در فوتبال را مورد بررسی قرار داده است. او در واقع ویژگی‌های افراد با علائق نابهنجاری در فوتبال را در ساختار کلی اجتماعی به‌ویژه در نظام طبقاتی، و پویای ارتباط بین آن‌ها مورد بررسی قرار داده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که عواملی چون بیکاری، مصرف الکل، آسان‌گیری جامعه، حوادث خشونت‌آمیز در زمین بازی از جمله قضاوت جانب‌دارانه و ناعادلانه داور، خطای بازیکن روی بازیکن دیگر، رفتار بازیکنان و مربی و ... در ایجاد رفتارهای نابهنجار در بین تماشاگران مؤثر است.

تایلور^۲ (۱۹۹۹)، از جمله افرادی بود که تحلیل‌های جامعه‌شناسانه با رویکرد مارکسیستی در زمینه دلایل بروز خشونت و اوباشی‌گری در فوتبال منتشر کرد، به اعتقاد وی خشونت در فوتبال منعکس‌کننده ماهیت تغییر یافته ورزش و به‌ویژه نقش تغییر یافته باشگاه‌های محلی به‌عنوان نماینده طبقه کارگر است که به‌عنوان سوپاپ اطمینانی از بروز خشونت‌های جدی‌تر در سایر زمینه جلوگیری می‌کنند و در واقع هیجانانگیزان کارگران در ورزشگاه‌ها تخلیه می‌شوند. از این منظر فوتبال به‌عنوان یکی از نمادهای از خودبیگانگی عمل می‌کند و جلوی تنش در سایر حوزه‌ها را می‌گیرد.

بررسی مطالعات پیشین در زمینه رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران فوتبال نشان می‌دهد این پدیده نشئت گرفته از ترکیبی از عواملی است که در جریان برگزاری بازی‌های حساس به اوج خود می‌رسد، به طوری که این رفتارها شبیه سایر رفتارهای کج‌روانه تحت تأثیر عوامل مؤثر بر رفتارهای نابهنجار از قبیل فقر، بیکاری، هیجان، تجرد، تحریک اطرافیان، غرور کاذب جوانی و ... قرار دارند. انرژی احساسی^۳ و آبشار جمعی که برخاسته از رفتار جمعی تماشاگران و احساس همبستگی آنان است، نقش بی‌بدیلی در بروز این رفتارها بر عهده دارند. رفتار نابجا و

1. Dunning
2. Taylor
3. Emotional Energy

نادرست عوامل برگزاری بازی از قبیل بازیکنان، مربیان و داوران به تشدید رفتارهای نابهنجار تماشاگران منجر می‌شود. تنش‌آفرینی رسانه‌های جمعی از قبیل تلویزیون و رسانه‌های ورزشی از جمله زمینه‌های تشدید رفتارهای نابهنجار تماشاگران محسوب می‌شود. عدم برخورد صحیح عوامل سازمان‌دهی و ایجاد نظم و انتظام بازی که شامل نیروی انتظامی و سایر ارکان ایجاد نظم است می‌تواند رفتارهای نابهنجار تماشاگران را تشدید کند. با عنایت به آنچه گفته شده، این مطالعه در پی بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد و تشدید رفتارهای نابهنجار تماشاگران فوتبال در شهر تهران است.

چارچوب نظری

در زمینه تبیین رفتارهای نابهنجار در ورزش نظریات زیادی مطرح شده‌اند که در این مقاله تلاش کرده‌ایم مهم‌ترین این نظریات را ذکر کنیم. یکی از مهم‌ترین تئوری‌هایی که می‌تواند نقش اساسی در تبیین رفتارهای انحرافی و به‌خصوص پرخاشگری داشته باشد، تئوری یادگیری اجتماعی است. این نظریه بیان می‌کند، شیوه رفتاری که ما به نمایش می‌گذاریم در دوره کودکی آموخته می‌شود، خشونت یادگرفتنی است. انسان ذاتاً پرخاشگر نیست و این شیوه رفتاری مخصوصاً در دوران کودکی از سوی والدین، برادر و خواهر آموخته می‌شود.

ویلیام گود^۱ با استفاده از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین عامل اجتماعی‌کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سامانی در این نهاد و ساختاری را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج‌رو دخیل می‌داند. او معتقد است هنجارها و ارزش‌های حاکم بر خانواده بر تک‌تک آن تأثیری قطعی دارند. شناخت سازمان و انگاره‌های خانواده می‌تواند به‌عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش‌یافته در آن تلقی گردد. به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتواند وظایف خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی و رفتار نابهنجار به‌وجود می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸).

1. William Goode

بر اساس نظریه پرخاشگری و خشونت چیبوکوس و لیته^۱، پرخاشگری همچون سایر رفتارهای اجتماعی رفتار و کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای اجتماعی در میان افراد جامعه، تولید، بازتولید و فراگرفته می‌شود. تعداد بسیار زیادی از مطالعات در این زمینه، فرضیه چرخه خشونت را تأیید کرده‌اند، بدین معنی که پرخاشگری و خشونت بزرگسالان نتیجه رفتارهای خشونت‌آمیزی است که آن‌ها در دوران کودکی خود قربانی یا شاهد آن بوده‌اند (چیبوکوس و لیته، ۲۰۰۵: ۹۸).

به‌زعم آلبرت بندورا غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در طول فرایند الگوسازی آموخته می‌شود. او فراگیری از طریق الگوسازی را کارآمدتر از یادگیری از طریق تقویت می‌داند. به اعتقاد وی فرزندان با نگاه کردن به والدین یاد می‌گیرند که چگونه خشونت نمایند. تجمع عناصر مختلفی چون رفتارهای تند، عدم توجه به اصول تربیتی و شأن اجتماعی کودکان با رفتار ناشایست والدین در خانه به معنای پیدایش الگویی از خشونت است. بندورا سه الگوی مشخص خانواده، گروه‌های فرعی مانند همسالان و نهایتاً فرهنگ (از جمله وسایل ارتباط جمعی) را در یادگیری رفتار خشونت‌آمیز مورد توجه قرار می‌دهد (سلیمی و داوری ۱۳۸۶: ۴۰۶).

نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند^۲، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج‌رفتاری است و بر این اعتقاد است که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی با افراد مجرم و نابهنجاران آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۱-۱۳۰).

کوهن در نظریه خرده‌فرهنگ بزهکاری اظهار می‌دارد که پسران طبقات فرودست در مدارس طبقات متوسط با وضعیتی آنومیک روبه‌رو بودند و در نتیجه گرد هم جمع شده و فرهنگی را طراحی کردند که با ارزش‌های طبقه متوسط و مرفه در تضاد بود. آن‌ها در رقابت با هم‌کلاسان طبقات بالاتر خود در می‌ماندند و برای جبران این ناکامی‌ها در رقابت برای دستیابی به منزلت خرده‌فرهنگ بزهکاری را تأسیس می‌کنند (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

از نگاه کوهن^۳، ناهم‌سازی اهداف و ابزار مورد نظر مرتن به‌خودی‌خود به کج‌رفتاری نخواهد انجامید. جزء اینکه متغیر مداخله‌گری چون سرخوردگی و ناکامی منزلتی به معادله اضافه شود،

1. Chibucos T. & Leite
2. Satterland
3. Cohen

به بیان دیگر کوهن و مرتن فرض کرده‌اند که اعضا طبقه پایین پیش از دیگران احتمال دارد که در فعالیت‌های نابهنجار مشارکت کنند، چون جامعه نمی‌تواند به آن‌ها کمک کند که به آرزوهای خود دست یابند. هنگامی که برای برخی از افراد وسایل هم‌سازی با محیط بر اساس معیارهای پذیرفته‌شده اجتماعی کافی نباشد، این افراد به نفی جنبه‌هایی از فرهنگ جامعه که مشکلات هم‌سازی با محیط را برای آنان فراهم نموده‌اند، پرداخته و خرده‌فرهنگ‌هایی را که زندگی را برایشان آسان‌تر می‌سازد جایگزین این جنبه‌های نفی شده فرهنگ جامعه می‌کنند، در صورتی که پذیرش معیارهای خرده‌فرهنگ‌های جایگزین مستلزم انحراف از معیارهای موجود در فرهنگ عمومی جامعه باشد فرد انحراف از معیارهای موجود را برای خود موجه می‌سازد (احمدی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۲).

والتر میلر^۱ (۱۹۸۵) معتقد است چنین خرده‌فرهنگ بزهکاری از درون فرهنگ طبقه پایین جامعه جان می‌گیرد. به نظر میلر بدون توسل به مفاهیم خرده‌فرهنگ بزهکاری، می‌توان گرایش اجتماعی، یا بی‌سامانی جامعه‌ی را تبیین کرد. ارزش‌های موجود در باندهای طبقه پایین، از همان آغاز، از هنجارهای طبقه متوسط انحراف دارد. میلر مجموعه‌ای از شش نکته اتکا از قبیل دنبال در دسر گشتن، سخت‌کوشی، زیرکی، هیجانی، ایمان و خودمختاری که از ویژگی فرهنگ طبقه پایین است را ارائه می‌دهد، فعالیت‌های باندهای خیابانی طبقه پایین برحسب درجاتی، از این خصلت‌های اساسی شش‌گانه نشئت می‌گیرد (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

دولارد^۲ و همکاران معتقدند که اگرچه ما دارای سلايق پرخاشگرانه فطری هستیم، اما رفتار پرخاشگرایانه به‌وسیله ناکامی از بالقوه به بالفعل تبدیل می‌شود. یعنی وقتی ناکام شدید با رفتار پرخاشگرایانه واکنش نشان می‌دهیم. در واقع هرگاه کسی در تلاش برای دستیابی به هدفی ناکام بماند، سلايق پرخاشگری فعال می‌شود و این نیز به‌نوبه خود رفتاری را برای صدمه زدن به فرد یا شیء منبع ناکامی برمی‌انگیزد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۱).

ارونسون^۳ در نظریات خود اعتقاد دارد پرخاشگری می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال‌انگیزی مثل خشم، درد، دمای خیلی زیاد، عدم موفقیت و ... باشد. مهم‌ترین عامل در ایجاد

1. Walter Miller
2. Dollard
3. Erverson

پرخاشگری از میان همه موقعیت‌های ملال‌انگیز، ناکامی است، بدین صورت که اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود، ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرایانه او را افزایش می‌دهد (ارونسون، ۱۳۸۷: ۲۹۴).

مهم‌ترین عامل انتقال رفتارهای انحرافی از نظر شاو و مکی^۱ به‌عنوان بانیان نظریه خرده‌فرهنگ بزهکاری را اعضای قبلی گروه به اعضای جدید و تازه ورود منتقل می‌سازند. فرض اصلی این رویکرد، این است که کج‌رفتاری در جامعه و در متن گروه‌های اولیه آموخته می‌شود، علت آن به‌طور کلی جامعه‌پذیری نامناسب است. شرایط زمینه‌ساز آن، فرصت‌های مسدودشده، فشار، دسترسی به شیوه‌های ناهنجار تخلیه هیجان و الگوهای نقش انحرافی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۱۸).

مایرز^۲ با اشاره به اینکه تلویزیون و سایر رسانه‌های جمعی نظیر ماهواره، اینترنت، مطبوعات در مقایسه با خانواده و گروه هم‌سالان گستره وسیع‌تری از الگوهای خشونت‌آمیز را نمایش می‌دهند، بر این باور تأکید دارد که مشاهده خشونت در تلویزیون به افزایش پرخاشگری و بی‌عاطفگی بین بینندگان می‌انجامد (مایرز ۱۹۹۴: ۲۵۱).

از منظر اتمار ویس^۳، ناکامی همچنین می‌تواند عواقب دیگری به‌جز پرخاشگری، مانند افسردگی، واپس‌روی و بی‌علاقگی را در پی داشته باشد (ویس ۱۳۸۹: ۲۳۳).

بر اساس نظریه یادگیری والترز، گرایش به رفتارهای پرخاشگرایانه در میان تماشاگران به هنگام تماشای مسابقات ورزشی افزایش می‌یابد. این امر به‌ویژه در مورد آن گروه از تماشاگران به هنگام تماشای مسابقات ورزشی افزایش می‌یابد که بر اساس نظام هنجاری خرده‌فرهنگ خود، رفتارهای خشن را مثبت ارزیابی می‌کنند (ویس، ۱۳۸۹: ۲۳۶).

تراویس هیرشی^۴ به‌عنوان یکی از بانیان تئوری کنترل اجتماعی معتقد است حلقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی متعارف مثل زناشویی، دوستی، همکار بودن و ... نقش حلقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی متعارف مثل زناشویی، دوستی، همکار بودن و ... نقش کنترل‌کننده عمده‌ای را در عدم

1. Shaw & Mackay
2. Myers
3. Weis
4. Hirschi

ارتکاب جرم ایفا می‌کنند. هر قدر که این روابط و دلبستگی‌های فرد ضعیف باشد استعداد افراد برای ارتکاب جرم بیشتر است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷: ۳۳۲).

هیرشی در بررسی انواع انحرافات بر این ایده تأکید دارد که رفتار انحرافی را باید بر مبنای پیوستگی‌هایی مورد بررسی قرار داد که فرد با نهادهای اجتماعی اعم از خانواده، مدرسه، هم‌سالان و دیگر نهادها، سازمان‌ها و واحدهای اجتماعی جامعه دارد. بزهکاری، پرخاشگری، وندالیسم و ... زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف و یا به کلی از بین رود. او فرد منحرف را شخصی می‌شناسد که از قیود اجتماعی آزاد است و به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا یا بی‌اعتنا است (مشکاتی و مشکاتی، ۱۳۸۱: ۱۰).

از دید تسوکالا^۱ (۲۰۰۵) با برچسب‌هایی که رسانه‌های همگانی به هواداران و تماشاگران خشونت طلب می‌زنند در حقیقت خودشان، به پرخاشگری‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز دامن می‌زنند. به طور مثال در بسیاری از رسانه‌ها این تماشاگران با عناوینی همچون احمق‌ها، بی‌فکرها، کسانی که مخشان تاب برداشته است، ساده‌لوح‌ها، ناقص‌العقل‌ها، آدم‌های خرفت و آدمکش‌های مستی که تحت تأثیر داروها هستند، یاد می‌شود. به اعتقاد وی، همچنین برخی از سردبیران و ستون‌نویسان روزنامه‌ها اوضاع را وخیم‌تر می‌کنند، بدان سبب که یک نقش منفی بازی می‌کند و به جای نقش بازدارنده خشونت و اوپاشگری را داشته باشند، در جهت معکوس عمل می‌کنند و به مسائل موجود دامن می‌زنند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

برایانت و زیملن^۲ در نظریات خود اشاره کرده‌اند که تولیدات رسانه‌ای به سه طریق اشتیاق به خشونت و پرخاشگری را افزایش می‌دهد: اول از طریق نشان دادن تعداد زیاد بازی‌های خشونت‌آمیز، مثلاً موارد خشونت‌آمیز ورزشی که از طریق تلویزیون به نمایش در می‌آید. دوم، از طریق بسیاری از مجلاتی که خشونت را با زرق‌وبرق نشان می‌دهند. و سرانجام، تبلیغات برنامه‌های تلویزیونی که اغلب بر اساس وقایع خشونت‌آمیز رقابت ورزشی گذشته صورت می‌پذیرد تا بدین وسیله بینندگان را به دیدن برنامه‌هایشان تشویق و تهییج کنند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۹).

1. Tsoukala
2. Bryant & Zilman

از منظر میشل فوکو فیلم‌های مدرن با استفاده از نمایش صحنه‌ها و وقایع به شرح وقایع می‌پردازند، برای مثال دیدن وقایع برنامه‌های ورزشی، حواشی مسابقات، خشونت و پرخاشگری‌ها، زورگیری‌ها، هیجانات تماشاگران و ... و ضبط و پخش مکرر پشت‌صحنه و به نمایش درآوردن درون پنهان آن‌ها به تحریک مخاطبین منجر می‌شود. این صحنه‌ها با جزئیات دقیق، موجب ایجاد احساسات شدید در بیننده می‌گردند، مانند نمایش ورزشکاران پیروز در میدان، درد ناشی از مجروح شدن یک ورزشکار، برخوردهای فیزیکی میان شرکت‌کنندگان، پرخاشگری و خشونت تماشاگران و ناراحتی تماشاچیان هنگام باخت تیم مورد علاقه‌شان در مسابقه (جیولی‌انوتی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

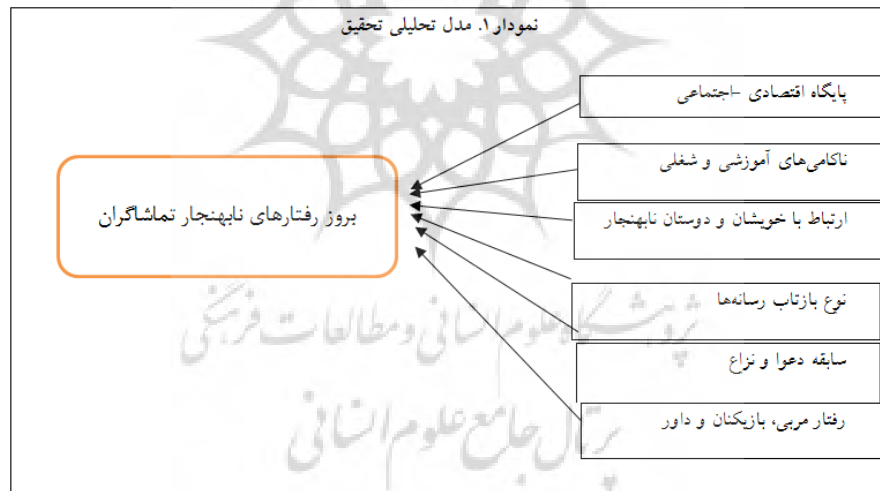
گابلر^۱، معتقد است سه نوع پرخاشگری کلامی، غیر کلامی و بدنی را می‌توان میان تماشاچی‌های ورزشی می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت. توهین‌های اهانت‌آمیز، سوت زدن، مسخره کردن و ... جزء پرخاشگری کلامی محسوب می‌شوند. هدف این نوع پرخاشگری، تحقیر بازیکنان و هواداران تیم حریف و داوران مسابقه است. پرخاشگری غیرکلامی تماشاگران ورزشی، پرخاشگری‌هایی همچون تهدید با مشت گره‌کرده و ژست‌های اهانت‌آمیز است. پرخاشگری بدنی، با دست‌های خالی یا ابزار (اشیاء پرتابی، زنجیر، چاقو و ...) اغلب علیه داوران، بازیکنان حریف و گاهی علیه پیاده‌روندگان، سایر شهروندان و بعضاً علیه پلیس استفاده می‌شود (ویس، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

در نظریه‌های مربوط به مکتب لسیستر، به موازات پرداختن به اهمیت رسانه‌ها، در توجه به مسائل پرخاشگری به نقش پلیس و نیروی انتظامی نیز توجه ویژه‌ای شده است، بر همین اساس مورفی معتقد است که با افزایش اوباشگری در فوتبال، پلیس یکپارچه‌تر عمل می‌کند به‌طور یکپارچه‌ای اقدام به سازمان‌دهی خود می‌نماید. آن‌ها برای جلوگیری از افزایش خشونت و پرخاشگری تصمیمات مختلفی از جمله استفاده از طور گرداگرد زمین، تغییر جایگاه برخی از تماشاگران، شناسایی کارت‌ها و استفاده از وسایل هوشمند و دوربین‌های مداربسته اتخاذ می‌کنند (پوتوارا و پریکس، ۲۰۰۶: ۲).

می‌توان گفت مجموعه اقدامات پلیس علیرغم اینکه نقش به‌سزایی در کنترل اوباشگری دارد، اما می‌تواند نتایج معکوسی هم داشته باشد، زیرا ممکن است اقدامات شدید امنیتی سبب شود

که اوپاش گران نیز اقدام به سازمان‌دهی بیشتر کنند و راه‌های جدیدتری را برای اعمال خشونت بیابند. تاریخچه جامعه‌شناختی در مورد خشونت حامیانی که مخل نظم بوده‌اند نشان می‌دهند که سیاست‌گذاری‌های حجیم و سخت‌گیرانه همواره درست نبوده‌اند و در برخی از اوقات ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد (اسپایچ، ۲۰۰۷: ۴-۵).

در راستای تلاش برای تبیین موضوع مورد مطالعه یک مدل تحلیلی با توجه به متغیرهای مشروح در ذیل طراحی شد برای این منظور متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی از نظریه‌های بندورا، ویلیام گود، چیبوکوس و لیته، متغیر ناکامی آموزشی-شغلی از نظریه‌های دولارد و ارونسون، متغیر بازتاب رسانه‌ها از نظریه‌های برایانت و زیلمن تسوکالا، فوکو و مایرز، متغیر ارتباط با خویشان و دوستان نابهنجار از نظریه‌های کوهن، میلر و هیرشی، متغیر سابقه دعوا و نزاع از نظریه‌های والترز، مکی و شاو، درنهایت متغیر رفتار مربی، بازیکن و داور از نظریه‌های گابلر و ویس استخراج شده و و آزمون شده است.



فرضیه‌ها

با توجه به چهارچوب تئوریک و مدل تحلیلی تحقیق به منظور تبیین موضوع مورد مطالعه فرضیه‌ها زیر مطرح شدند؛

۱. به نظر می‌رسد پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر بروز رفتار نابهنجار تماشاگران مؤثر است.

۲. به نظر می‌رسد ناکامی آموزشی - شغلی افراد بر بروز رفتار نابهنجار تماشاگران مؤثر است.
۳. به نظر می‌رسد ارتباط با دوستان و خویشان نابهنجار بر بروز رفتار نابهنجار تماشاگران مؤثر است.
۴. به نظر می‌رسد نوع بازتاب رسانه‌ها بر بروز رفتار نابهنجار تماشاگران مؤثر است.
۵. به نظر می‌رسد داشتن سابقه دعوا و نزاع بر بروز رفتار نابهنجار تماشاگران مؤثر است.
۶. به نظر می‌رسد رفتار مربی، بازیکن، داور بر بروز رفتار نابهنجار تماشاگران مؤثر است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پیمایشی^۱ بود، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر نوع دامنه، از نوع خرد^۲ است. این کار از نظر وسعت از نوع مطالعات پنهان‌گر^۳ بوده است و از نظر زمانی، از نوع مقطعی^۴ بوده است.

جمعیت آماری مورد مطالعه در پژوهش حاضر کلیه تماشاگران فوتبال بودند که برای تماشای فوتبال در ورزشگاه آزادی تهران حاضر می‌شدند. از این جمعیت یک نمونه ۴۰۰ نفری براساس نمونه‌گیری تصادفی، با توجه به شماره بلیت خریداری شده به نحوی که تعداد افراد نمونه در هر روز از نظر زوج و فرد بودن شماره بلیت‌ها یکسان باشند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. انتخاب این حجم نمونه در طی چهار بازی در ورزشگاه آزادی شهر تهران در سال ۱۳۹۶ انجام شد، تعداد ۲۰۰ نفر از افراد نمونه دارای بلیت با شماره زوج و تعداد ۲۰۰ نفر دارای بلیت با شماره فرد بودند، دلیل استفاده از این شیوه رعایت اصول شیوه نمونه‌گیری احتمالی تصادفی بود تا تعمیم نتایج از منظر آماری دچار خدشه نشود.

در این پژوهش روش‌های گردآوری اطلاعات با استفاده از روش پیمایشی و پرسش‌نامه محقق ساخت بوده است به منظور سنجش اعتبار از اعتبار صوری استفاده شد با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی، رفتار تماشاگران ورزش فوتبال بود، برای تعیین اعتبار پرسشنامه از نظرات و دیدگاه‌های متخصصین تربیت‌بدنی، و همچنین متخصصین علوم اجتماعی استفاده شد.

-
1. Survey method
 2. Micro
 3. Extensive
 4. Cross- Sectional

همچنین در این تحقیق برای سنجش روایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه برای متغیرهای تحقیق در جدول زیر آورده شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق حاضر از آزمون‌های آماری در قالب نرم‌افزار spss23 استفاده شده است.

جدول ۱. میزان پایایی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

ردیف	متغیرهای تحقیق	میزان آلفای کرونباخ
۱	ناکامی آموزش - شغلی	۰/۹۱
۲	ارتباط با دوستان و خویشان نابهنجار	۰/۹۰
۳	نوع بازتاب رسانه‌ها	۰/۸۸
۴	سابقه دعوا و نزاع	۰/۸۳
۵	رفتار مربی، بازیکنان، داور و ...	۰/۸۳
۶	متغیر وابسته (رفتار نابهنجار)	۰/۸۵

یافته‌ها

یافته‌های بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نابهنجار تماشاگران فوتبال در دو بخش یافته‌های توصیفی و آزمون فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه آورده شده است.

الف) یافته‌های توصیفی: در این بخش به بررسی یافته‌های توصیفی پاسخگویان از قبیل وضعیت سنی، تحصیلات، تأهل، اشتغال و میزان درآمد پرداخته شده است که در ادامه و در قالب جدول ۲ نشان داده شده است، همچنین در ادامه این بخش میانگین وضعیت پاسخگویان برحسب متغیرهای مستقل و متغیر وابسته بررسی شده است که این متغیرها نیز در قالب جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان برحسب سن، تحصیلات، تأهل، اشتغال و میزان درآمد

گروه سنی	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد
۱۵ سال و کمتر	۲۴	۶	ابتدایی و راهنمایی	۴۷	۱۱/۷
۱۶-۲۰ ساله	۱۶۷	۴۱/۸	دبیرستان و دیپلم	۲۰۸	۵۲
۲۱-۲۵ ساله	۹۳	۲۳/۲	فوق دیپلم	۸۵	۲۱/۳

رفتارهای ناپهنجار در میان تماشاگران فوتبال در شهر تهران ۳۰۷

ادامه جدول ۲. توزیع پاسخگویان برحسب سن، تحصیلات، تأهل، اشتغال و میزان درآمد

گروه سنی	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	
۲۶-۳۰ ساله	۶۲	۱۵/۶	لیسانس و بالاتر	۶۰	۱۵	
۳۱-۳۵ ساله	۲۷	۶/۷	جمع	۴۰۰	۱۰۰/۰	
بالاتر از ۳۵ ساله	۲۷	۶/۷				
جمع	۴۰۰	۱۰۰/۰				
وضعیت تأهل	مجرد متأهل جمع	۳۰۰ ۱۰۰ ۴۰۰	وضعیت اشتغال	شاغل	۱۷۸	۴۴/۵
				بیکار (در جستجوی	۲۲۲	۵۵/۵
				جمع	۴۰۰	۱۰۰/۰
میزان درآمد ماهیانه خانوار (تومان)						
		۵۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	۲۷۴	۵.۶۸	درصد	
		۱۰۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰	۹۶	۲۴	درصد	
		۲۰۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۰	۳۰	۵.۷	درصد	
		جمع	۴۰۰	۰۰.۱۰۰	درصد	
میانگین درآمد			۱۰۶۱۲۵۰ (یک میلیون و شصت و یک هزار و دویست پنجاه)			

با توجه به جدول شماره ۲ میانگین سن پاسخگویان ۲۳.۵ سال و نمای سنی افراد ۱۸ سال بود (۳۳ نفر معادل ۸/۲ درصد پاسخگویان). دامنه سنی افراد مورد مطالعه از ۱۳ سال تا ۷۳ سال متغیر بوده است. بیشتر افراد در گروه سنی ۲۰-۱۶ سال قرار گرفتند، این افراد ۴۱/۸ درصد حجم نمونه را تشکیل دادند. گروه سنی ۲۵-۲۱ سال نیز با ۲۳/۲ درصد در رده بعدی جای گرفته است از طرفی افراد زیر ۱۵ سال نیز با ۶ درصد کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع بیشتر پاسخگویان در فاصله سنی ۱۶ تا ۳۰ سال بودند. همچنین نتایج جدول نشان دادند: ۷۵ درصد افراد مجرد و ۲۵ درصد نیز متأهل بوده‌اند. توجه به نتایج این جدول در این زمینه حکایت از اقبال عمومی افراد مجرد نسبت به تماشای فوتبال دارد. همچنین با توجه به جدول فوق توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت اشتغال نشان می‌دهد. که بیشتر افرادی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند بیکار و یا در جستجوی کار بوده‌اند، این افراد ۵۵/۵ درصد حجم نمونه را تشکیل داده‌اند و ۴۴/۵ درصد نیز شاغل بوده‌اند. علاوه بر این نتایج جدول نشان دادند: ۱۱/۷

درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی هستند و بیش از نیمی از آنها یعنی ۵۲ درصد دارای تحصیلات دبیرستان هستند. ۲۱/۳ درصد افراد تحصیلات فوق‌دیپلم و ۱۵ درصد هم از تحصیلات لیسانس و بالاتر برخوردار هستند. همچنین نتایج این جدول توزیع پاسخگویان را برحسب درآمد ماهیانه خانوار نشان می‌دهد. بر اساس نتایج جدول فوق کمترین میزان درآمد افراد پاسخگو پانصد هزار تومان و بیشترین مقدار نیز سه میلیون تومان بوده است. میانگین درآمد افراد مورد مطالعه برابر با یک میلیون و شصت و یک هزار تومان بوده است که نشانگر میزان پایین درآمدی در جامعه تماشاگران در سال ۱۳۹۶ بوده است.

جدول ۳. میانگین وضعیت پاسخگویان برحسب متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیر	میانگین
ارتباط با دوستان و آشنایان نابهنجار	۹۹.۲
میزان ناکامی آموزشی- شغلی	۵۳.۲
میزان سابقه دعوا و نزاع	۴۵.۲
رفتار بازیکن، مربی و داور	۳۶.۲
نوع بازتاب رسانه‌ها	۸۵.۲
میزان رفتار نابهنجار	۲۵.۳

همان‌گونه که نتایج در قالب جدول فوق آورده شده است، میزان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق با استفاده از دستور کامپیوت^۱ در قالب نرم‌افزار spss مورد مطالعه قرار گرفت، نتایج این بررسی نشان دادند: میزان متغیر وابسته تحقیق یعنی رفتار نابهنجار در میان پاسخگویان بالای حد متوسط قرار دارد اما تقریباً تمامی متغیرهای مستقل در حد کمی پایین‌تر از متوسط قرار داشته‌اند. لازم به ذکر است که میزان متغیر مستقل داشتن ارتباط با دوستان و آشنایان نابهنجار کاملاً متوسط بود که می‌تواند به‌نوعی در تبیین رفتارهای نابهنجار تماشاگران نقش داشته باشد.

ب) آزمون فرضیه‌ها: در این بخش آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شده است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

تحلیل رگرسیون چندگانه^۱: همان‌گونه که می‌دانیم آزمون رگرسیون یک تحلیل چندگانه است که برای پیش‌بینی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. با عنایت به ماهیت این آزمون و سازگاری با نتایج تحقیق به‌منظور سنجش فرضیات تحقیق از این آزمون استفاده شد که نتایج در زیر آورده شده است.

جدول ۴. مدل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون

سطح معناداری	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
	Beta	خطای استاندارد	
.۰۰۱		.۳۲۳	۱۳۷.۱ (Constant)
.۰۰۰	.۵۸۱	.۱۲۴	نوع بازتاب رسانه‌ها
.۰۰۰	.۶۰۸	.۰۳۶	سابقه دعوا
.۰۰۱	.۸۲۴	.۱۱۴	رفتار بازیکن، مربی و داور
.۰۰۰	.۴۸۴	.۰۲۱	ارتباط با خویشان و دوستان نابهنجار
.۰۰۲	.۴۲۲	.۰۳۸	ناکامی شغلی آموزشی
.۰۰۱	.۴۵۲	.۱۰۹	پایگاه اقتصادی اجتماعی
	.۷۵۷		ضریب همبستگی چندگانه (r)
	.۶۱۶		ضریب تعیین (R ²)
	.۵۹۱		ضریب تعیین اصلاح‌شده

در جدول فوق مقادیر ضریب همبستگی چندگانه، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل‌شده مشاهده می‌شود. در این جدول مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده بسیار مهم بوده و میزان برازندگی مدل را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب بین ۰ تا یک است، که هرچه به یک نزدیک‌تر شود دقت بیشتر مدل را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این مقدار در تحلیل فوق برابر با ۰/۵۹ است که نشان می‌دهد ۵۹ درصد تغییرات رفتار نابهنجار به متغیرهای مستقل وابسته است. از آنجاکه مقدار ضریب رگرسیون معنادار است می‌توان به‌وسیله جدول ضرایب رگرسیون استاندارد‌شده و استاندارد نشده میزان اهمیت و معناداری هر یک از مؤلفه‌های متغیرهای مستقل

را در تعیین متغیر وابسته به تفکیک مشخص کرد که این امر در قالب جدول فوق آورده شده است، با عنایت به نتایج این جدول می‌توان گفت که تمام فرضیات تحقیق تأیید شدند و متغیرهای رفتار بازیکن، مربی و داور، سابقه دعوا، نوع بازتاب رسانه‌ها، ارتباط با خویشان و دوستان نابهنجار، پایگاه اقتصادی اجتماعی و ناکامی شغلی آموزشی تماشاگران در بروز رفتارهای نابهنجار مؤثر بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در راستای شناسایی دلایل مترتب بر رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران فوتبال در شهر تهران، به بررسی عوامل مؤثر بر این رفتارها در شهر تهران پرداخته است. به‌منظور تبیین موضوع مورد مطالعه، از نظریه‌های افرادی همچون بندورا، ویلیام گود، چیبوکوس، لیته، دولارد، ارونسون، برایانت، زیلمن، تسوکالا، فوکو، مایرز، کوهن، میلر، هیرشی، والترز، مکی، شاو، گابلر و ویس استفاده شده است و از این طریق متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی، ناکامی آموزشی- شغلی، نوع بازتاب رسانه‌ها، ارتباط با خویشان و دوستان نابهنجار، سابقه دعوا و نزاع، و رفتار مربی، بازیکن و داور به‌عنوان متغیرها و عوامل مؤثر بر رفتار نابهنجار در بین تماشاگران فوتبال استخراج و آزمون شدند که نتایج آن به قرار ذیل است:

با توجه به نتایج توصیفی تحقیق، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۳/۵ سال بود. یافته‌ها نشان داد از کل حجم نمونه (۴۰۰ نفر)، ۷۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۵ درصد نیز متأهل بوده‌اند. از نظر وضعیت شغلی، بیشتر افراد مورد مطالعه بیکار یا در جست‌وجوی کار بودند (۵۵/۵) درصد و ۴۴/۵ درصد هم شاغل بودند. آزمون فرضیات تحقیق در بخش استنباطی مقاله نشان‌گر تأیید شدن تمام فرضیات تحقیق بود، تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که: با توجه به ضریب‌تعیین تعدیل‌شده که برابر با ۰/۵۹ بود می‌توان اذعان نمود که ۵۹ درصد تغییرات رفتار نابهنجار به متغیرهای مستقل وابسته بوده است و متغیرهای رفتار بازیکن، مربی و داور به میزان (۸۲۴)، سابقه دعوا به میزان (۶۰۸)، نوع بازتاب رسانه‌ها (۵۸۱)، ارتباط با خویشان و دوستان نابهنجار به میزان (۴۸۴)، پایگاه اقتصادی اجتماعی به میزان (۴۵۲) و ناکامی شغلی آموزشی به میزان (۴۲۲) در بروز رفتار نابهنجار تماشاگران نقش داشته‌اند. بنابراین متغیرهای

رفتار بازیکن، مربی و داور، سابقه دعوا، نوع بازتاب رسانه‌ها، ارتباط با خویشان و دوستان نابهنجار، پایگاه اقتصادی اجتماعی و ناکامی شغلی آموزشی تماشاگران به ترتیب بیشترین نقش را در بروز رفتارهای نابهنجار بر عهده داشته‌اند.

بر اساس نظریه ارونسون، رسانه‌های همگانی، به‌خصوص تلویزیون، مجموعه‌ای از عوامل قدرتمند برای یادگیری پرخاشگری هستند، به اعتقاد او رسانه‌ها با تحریک احساسات افراد و عکس‌العمل‌های خاص خود می‌توانند تأثیر به‌سزایی در افزایش یا کاهش خشونت و پرخاشگری داشته باشند. همچنین بر اساس نظریه اتمار ویس، عملکردهای نابه‌جا و بزرگنمایی صحنه‌های ورزشی، ایرادگیری‌های بی‌هوده و واهی از داور، بازیکنان و مربیان و قضاوت‌های ناعادلانه و ارزشی و متعصبانه باعث افزایش رفتارهای مخرب تماشاگران حاضر در بازی‌ها می‌شوند. به عقیده میشل فوکو، نیز مشاهده حواشی مسابقات، سوگیری‌ها، هیجانات تماشاگران و ضبط و پخش مکرر پشت‌صحنه‌ها و به نمایش درآوردن درون پنهان آن‌ها و ... با جزئیات دقیق، باعث احساسات شدید در مخاطبین و تماشاگران می‌گردند. این رابطه و تأثیر و تأثر رفتار بازیکن، مربی و داور از یک‌سو و نوع بازتاب جهت‌دار این مسائل در رسانه‌ها از سوی دیگر در نتایج پژوهش‌های عباس‌زاده (۱۳۹۶)، قاسمی (۱۳۸۸)، وثوقی و خسروی‌نژاد (۱۳۸۸)، صدیق‌سروستانی (۱۳۸۱) و هال و همکاران (۱۹۷۱) تأیید شده است که با نتایج تحقیق حاضر نیز همسوست.

مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار شخص از طریق مشاهده و در طول جامعه‌پذیری و الگوسازی شکل می‌گیرد، به نظر بندورا، افراد با مشاهده رفتارهای خشن و نامطلوب از خانواده، رسانه، هم‌سالان یاد می‌گیرند که خشونت چیست و چگونه باید آن را به انجام رسانید، سپس این رفتار را در زندگی شخصی خود، حتی در زندگی اجتماعی به‌احتمال‌زیاد پیاده می‌کند. در تأیید محتوای این نظریه و سایر نظریات مرتبط در این زمینه، نتایج تحقیقات عباس‌زاده (۱۳۹۶)، قاسمی (۱۳۸۸)، رحمتی و محسنی تبریزی (۱۳۸۰)، وثوقی و خسروی‌نژاد (۱۳۸۸)، همتی‌نژاد (۱۳۷۹) و هال و همکاران (۱۹۷۱) نشانگر تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد، داشتن سابقه دعوا و درگیری و تأثیر دوستان پرخاشگر بر پرخاشگری تماشاگران است، که نشان می‌دهد نتایج تحقیقات قبلی و نظریات مذکور در این زمینه با نتیجه تحقیق حاضر همسو بوده است.

با توجه به نقش متغیر ناکامی در رفتارهای نابهنجار تماشاگران می‌توان گفت مطابق تئوری‌های پرخاشگری رفتارهای وندالیستیک و اوباشگراییانه تماشاگران فوتبال تا حدود زیادی نتیجه ناکامی آن‌ها در تحقق اهدافشان است. در تأیید محتویات نظریات فوق، نتایج تحقیقات رحمتی و محسنی تبریزی (۱۳۸۰)، همتی‌نژاد (۱۳۷۹)، کشمیری (۱۳۸۸)، حاکی از آن است که بین دو متغیر ناکامی و پرخاشگری تماشاگران رابطه معنی‌دار وجود دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نتایج تحقیقات انجام‌یافته پیشین و محتوای نظریات تبیین‌کننده در این زمینه، همسو با نتیجه تحقیق حاضر بوده است.

با عنایت به نتایج تحقیق حاضر در زمینه رفتارهای نابهنجار تماشاگران فوتبال در شهر تهران و در راستای کاهش حجم رفتارهای نابهنجار ورزش فوتبال می‌توان راهکارهایی به متولیان امر ارائه نمود که با کاربست آن‌ها وضعیت مطلوب‌تری در استادیوم‌های ورزشی شاهد باشیم از همین رو، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در ارتباط با موضوع پژوهش پیشنهادهای زیر در راستای کاهش رفتارهای نابهنجار تماشاگران فوتبال ارائه شده‌اند.

۱. با عنایت به نتایج تحقیق در زمینه تأثیر بسیار زیاد رفتار بازیکن، مربی و داور بر بروز رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران، ارائه آموزش‌های لازم به داوران، مربیان، بازیکنان و مسئولان برگزاری مسابقات برای مقابله و پیشگیری از رفتارهای نابهنجار امری ضروری محسوب می‌شود. بدیهی است که چنانچه تماشاگران رفتارهای مطلوبی از جانب بازیکنان، مربیان و داوران مشاهده نمایند سعی می‌کنند رفتار خود را با الگوسازی از آن‌ها به‌عنوان گروه مرجع خودشان که همان بازیکنان و مربیان هستند، نزدیک کنند.

۲. با عنایت به نتایج تحقیق در زمینه تأثیر بازتاب رسانه در بروز رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران ارتقاء کیفی برنامه‌های ورزشی صداوسیما و عدم ایجاد حساسیت در طرفداران فوتبال، اصلاح ساختار مطبوعات ورزشی، ارائه اخبار و اطلاعات درست، تحلیل و تفسیرهای منطقی و به دور از هرگونه تعصب، یکی از پیشنهادهای لازم در راستای کاهش چنین رفتارهایی محسوب می‌شود.

۳. با توجه به نتایج تحقیق در زمینه تأثیر سابقه نزاع و ارتباط با دوستان و آشنایان نابهنجار در بروز رفتارهای نابهنجار در میان تماشاگران، مواردی از قبیل صدور کارت عضویت هواداران

به منظور شناسنامه دار شدن هواداران فوتبال، نصب دوربین‌های مداربسته برای شناسایی تماشاگران نابهنجار، شناسایی و جلوگیری از ورود افراد نابهنجار و فروش بلیت‌های ورزشگاه بر اساس شماره صندلی به تماشاگران بر اساس مدارک هویتی می‌تواند در کاهش رفتارهای نامطلوب و نابهنجار از یک سو و شناسایی سریع مجرمین در صورت وقوع حوادث خاص از سوی دیگر مؤثر باشد.

۴. با توجه به میانگین سنی تماشاگران و این امر که نوجوانان و جوانان بخش بسیار بزرگی از تماشاگران فوتبال را تشکیل می‌دهند و این قشر به اقتضای سنی خود از نیروی هیجانی بالایی برخوردارند. پیشنهاد می‌شود تمهیدات لازم به منظور تخلیه انرژی هیجانی لازم برای آن‌ها قبل از شروع بازی و حین انجام بازی فراهم شده و برنامه‌ریزی اصولی برای برگزاری مراسم متنوع شاد در سه مرحله قبل از بازی، بین دو نیمه و پس از بازی اجرا شود تا از این طریق از یک سو الگوی رفتاری مناسب به نوجوانان و جوانان طرفدار فوتبال ارائه شود و از سوی دیگر با تخلیه انرژی هیجانی تماشاگران از بروز رفتارهای نابهنجار از سوی دیگر جلوگیری شود.

۵. علاوه بر موارد فوق با عنایت به تجربه چندین ساله نویسنده در زمینه جامعه‌شناسی ورزش، پیشنهاد می‌شود مواردی همچون الف. ایجاد تمهیدات قانونی لازم به منظور حضور بانوان در تماشای مسابقات ورزشی با در نظر گرفتن عوامل فرهنگی و اجتماعی شایسته کشور ایران که می‌تواند در کاهش برخی از انواع رفتارهای نابهنجار جلوگیری نموده و به تلطیف جو مسابقات کمک کند و از فضای تضاد و تنش در ورزشگاه‌ها بکاهد. ب. با عنایت به این امر که بسیاری از رفتارهای نابهنجار به نوع برخورد لیدرها بر می‌گردد ضروری است به لیدرها آموزش‌های لازم در جهت اجتناب از رفتارها و شعارهای نامناسب داده شود و از آنان تعهدات لازم به منظور پرهیز از رفتارهای نابهنجار گرفته شود، این امر می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش رفتارهای نابهنجار تماشاگران داشته باشد.

منابع

- احمدی، حبیب، عربی، علی (۱۳۹۲). رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج)، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۶۰-۷.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۷). روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکر کن. تهران: انتشارات رشد.
- انور الخولی، امین (۱۳۸۳) ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ناشر سمت .
- پاکنژاد، محسن، درانی، کمال (۱۳۸۸) بررسی رفتارهای تهاجمی تماشاگران فوتبال و علل روانی و اجتماعی آن، نشریه رشد و یادگیری حرکتی-ورزشی، دوره اول، شماره سوم، صص ۱۱۷-۱۴۲.
- جلالی، امید (۱۳۹۲). بررسی خشونت در تماشاچیان فوتبال در شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم سال هشتم، شماره ۲۷ صص ۳۷-۵۴.
- جیولیانونی، ریچارد (۱۳۹۱). نظریه‌های جامعه‌شناختی انتقادی در ورزش، ترجمه افسانه توسلی، تهران: نشر علم
- حسینی، محمد سلطان، نصرافهانی، داوود، سلیمی، مهدی، پورفرهمنند، بهزاد، سلیمی، منصوره (۱۳۸۹) بررسی عوامل بروز خشونت در تماشاگران فوتبال استان آذربایجان شرقی، اولین همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- خاقانی آور، فاطمه، شانواز، بلال (۱۳۹۵). بررسی خشونت کلامی و مجازی تماشاگران فوتبال در ایران (علل و راهکارها). فصلنامه مطالعات تربیت بدنی و علوم ورزشی، دوره: ۱، شماره چهارم. صص ۴۰-۵۴.
- رحمتی، محمدمهدی و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی عامل‌های جامعه‌شناختی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال، مطالعه موردی: شهر تهران. فصلنامه المپیک، سال یازدهم شماره ۳ و ۴.
- رایبنگتن، ارل، واینبرگ، مارتین (۱۳۹۰)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت ا. . صدیق‌سروستانی، نشر دانشگاه تهران.

- ستوده، هدایت ا. . . (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، نشر آوای نور.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی کج‌روی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران. صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌شناسی ایران، نشر قطره.
- قاسمی وحید، ذوالاکتاف وحید، نورعلی وند علی (۱۳۸۸) توصیف جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال، فصلنامه المپیک، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۸، صص ۶۹-۷۹.
- قاسمی، وحید، ذوالاکتاف، وحید، نورعلی وند، علی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی ورزش وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- عباس‌زاده، محمد، سعادت، موسی، کبیری، افشار، عشایری، طاها (۱۳۹۶) بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال، فصلنامه پژوهش‌های انتظامی، سال نهم شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۷۰-۳۵.
- محمدکاظمی رضا، شیخ، محمود، شهبازی، مهدی، راسخ، نازنین (۱۳۸۶) بررسی علل آشوب تماشاگران فوتبال پس از شهرآورد بزرگ ایران (از دیدگاه تماشاگران)، فصلنامه پژوهشی در علوم ورزشی، دوره پنجم، شماره هفده، صص ۱۱۴-۱۰۱.
- مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱)، سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۲.
- نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی در ورزش، نشر بامداد کتاب.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۷). خلاصه مباحث جرم‌شناسی. گردآوری مجتبی جعفری.
- وثوقی، منصور، خسروی نژاد، سیدمحسن (۱۳۸۸)، بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی رفتار هیجانی تماشاگران فوتبال، پژوهش علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول.
- ویس، اتمار (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی ورزش. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.

- هاشمی، سیدضیا، جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۸) فوتبال و هویت ملی، مطالعات ملی دوره هشتم شماره ۳۰، صص ۱۲۴-۱۰۷.

- Chibucos T. & Leite, R. (2005). Readings in family theory. London:Sage Publications.
- Clarke, John, (1988). Football and Working class fans: Tradition and change in ingam. Et al. Football Hooliganism. The wider context. Inter Action Imprint.
- Cottingham, M. (2012). Interaction Ritual Theory and Sports Fans: Emotion, Symbols, and Solidarity, *Sociology of Sport Journal*, Volume 29, Issue 2, pp 168-185.
- Courakis N. (2004). Fotball Violence: Not only a British Problem, *European Journal on Criminal Policy and Research*. Pp 293-302.
- Dunning , E, Murphy,P, Williams,J (1998). the Roots of Football Hooliganism, London: Routledge and Kegan paul.
- Giulianotti, R. (2009). Fotball: A Sociology of The Global Game. Polity Press, 2009.
- Hirschi, T. (1989). Cause of delinquency. by the regents of the university of California press.
- James, K (2017). Soccer Hooligan” Studies: Giving the Marxist Approach another Chance, *Journal of Physical Fitness, Medicine & Treatment in Sports* , Volume 2 Issue 5p 1-8.
- Myers. D. (1994). Exploring Social Psychology, McGraw-Hill, Inc.
- Newson,M, Bortolini, T, Buhrmester, M, Dasilva, R,S, Aquino,N,Q,Whitehouse,H. (2018). Brazil's football warriors: Social bonding and inter-group violence, *Evolution and Human Behavior*, Volume 39, Issue 6, pp. 675-683
- Poutvaara, P. Priks, M. (2006). Hooliganism in the Shodow of a Terrorist Amsterdam School For Social Research, 4-16,
- Stone, W. (2002). Social Capital, Social Cohesion and Social Security. Australian Institution Family Studies.
- Scholz,P. (2016). Czech Football Hooligans Behavior, *Journal of Physical Education and Sport* Issue 2, pp. 1089 - 1094.
- Spaaij,R. (2007). The Prevention of Football Holiganism: A Transnational Perspective.
- Taylor, Ian (1999). Crime in Context: A Critical Criminology of Market Societies, Oxford: Polity Press
- Wann, Dannel, Melnick et al (2002); Sport Fans, the psychology and social, Impact of spectators, Rutledge.